

KASHMIR

بررسی تاریخی تعامل و چالش میان شیعه و سنی در کشمیر

علامه محمد تقی انبیاش، مؤرخه تاریخی کشمیر، از شدت تبار شیعیان کشمیر

دولت، ۱۰ هزار نفر دیگر مسلمان شدند.^۱ دوره اسلامی در کشمیر شروع گردید و با ورود «میر سید علی همدانی» ۷۷۶ هـ ق و پسرش «سید محمد همدانی» پیشرفت بزرگی کرد. درباره سال ورود تشیع به کشمیر بین مورخان اختلاف وجود دارد، اما این مسلم است که مولانا «سعیدالدین» و «سید محمد مدنی» که در نیمه دوم قرن هشتم و نیز «سید حسین قمی» که در اوایل قرن نهم وارد کشمیر شدند، شیعه مذهب بودند.^۲

وحدت و هم‌گرایی بین شیعه و سنی پس از ورود اسلام نخستین دوره اسلام در کشمیر به دوره «شاهمیری» معروف است.^۳ در این دوره شیعه و سنی هم‌زمان مذهب خود را تبلیغ و ترویج می‌کردند و در عین حال در کنار یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی داشتند و هر فرقه برای انجام مراسم دینی و مذهبی خود آزاد و مختار بود و از حقوق مساوی برخوردار بودند. در این دوره شیعه و سنی پسران و دختران شان را با یکدیگر تزویج می‌کردند. گرچه پادشاهان سنی بودند، اما شیعیان نیز در دولت مسئولیت داشتند و حتی وزیر و یا مشیر بودند.^۴

گوناگون جهان اسلام بسته به نوع ورود اسلام به این مناطق و ورود یا وجود قبلی تشیع در آن‌ها متفاوت است. بررسی سبب تاریخی هم‌گرایی شیعه و سنی در مناطق، باعث می‌شود از قضاوت‌های شتاب‌زده و طرح‌های عملی ناگوار آمد در جهت وحدت جلوگیری شود؛ زیرا هم‌گستره نظر را برای ارائه برنامه اصلاحی عمق می‌بخشد و هم آن را به عملی شدن نزدیک می‌کند.

ورود اسلام به کشمیر

اسلام در اوایل قرن هشتم هجری (۷۲۲) به شکلی آرام و مسالمت‌آمیز از طریق ایمان و ارشاد و نه با جنگ‌های خونین، به کشمیر راه یافت.

نخستین کسی که در کشمیر به ترویج اسلام مبادرت ورزید، مبلغ بزرگ خراسانی به نام «سید شرف‌الدین موسوی»^۵ معروف به «بلبل شاه» بود.

جاذبه روحانی وی، «ربیع بن شاه»، پادشاه کشمیر را چنان تسخیر کرد که وی به دین مبین اسلام مشرف گشت و اسم خود را «صن‌الدین» نهاد.^۶ پس از وی، علاوه بر کارمندان

تاریخ اسلام در کشمیر، شاهد مناسبات پر فراز و نشیب شیعه و سنی بوده است. گرچه از آغاز ورود اسلام و تشیع به کشمیر (اوایل قرن هشتم هجری) تا اواخر قرن دهم بین شیعه و سنی وحدت و هم‌گرایی



مثال‌زدنی وجود داشت و آنان مثل برادر در کنار یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی داشتند، اما از اوایل قرن یازدهم تا چهاردهم هجری، شیعه و سنی در کشمیر همیشه با هم درگیر بوده‌اند و شیعه چون در اقلیت بوده، بارها هدف تزلزل‌کننده قرار گرفته است، ولی در قرن چهاردهم هجری، به‌ویژه بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، شرایط عوض شده و باز وحدت و هم‌گرایی بین شیعه و سنی به وجود آمده است.

وحدت میان شیعه و سنی موضوعی است که همواره هدف جنبش‌های اسلامی و اصلاح‌طلبانه به‌ویژه در تاریخ معاصر جهان بوده است. روابط و مناسبات شیعه و سنی در مناطق

در این دوره پادشاهان کشمیر برای علماء شیعه و سنی احترام خاصی قائل بودند. به خصوص «علی شاه» معروف به «زین العابدین» که نیم قرن در کشمیر حکومت کرد، پیش از دیگران به این امر اهتمام داشت. او باغ مخصوص خود را به «سیدحسین قمی» که یک عالم شیعی بود، هدیه کرد و نیز عالم شیعه دیگری به نام «سیدمحمد مدنی» را با خواهش و اصرار زیاد راضی کرد که در کنار خانه و قصر وی زندگی کند و سپس برای عبادت و ریاضت او و مریدانش خانقاهی ساخت.^۸

در این دوره که ۲۲۰ سال طول کشید، هیچ گزارشی از نزاع و درگیری بین شیعه و سنی در منابع نیامده است.^۹

دوره چکها

دوره شاهامیری یا به حکومت رسیدن چکها که شیعه مذهب بودند به اتمام رسید. چکها ۲۲ سال در کشمیر حکومت کردند.^{۱۱} آنان گرچه شیعه مذهب بودند، ولی هیچ گاه ملاحظات مذهبی خود را در اداره کردن کشور مؤثر ندانستند، بلکه مانند یک میهن پرست و وطن دوست حکومت کردند به همین خاطر مورخان شیعه و سنی، از آنان به خوبی و با القابی چون عدل پرور و انصاف پسند یاد می کنند.^{۱۲}

وضع شیعه و سنی در این دوره

در این دوره نیز شیعه و سنی رابطه خوب و برادرانه‌ای با یکدیگر داشتند و در کنار هم به راحتی زندگی می کردند و به جز یک مورد سطحی، هیچ اختلافی بین شیعه و سنی پیش نیامده است.^{۱۳} سه تن از پادشاهان چکها به نام «قاضی چک»، «علی چک» و «حسین چک» برای حفظ وحدت اسلامی نخست وزیران خود را از اهل سنت انتخاب کردند.^{۱۴}

حاکمان شیعه با فراهم کردن مقدمات آزادی دینی و مذهبی اعلام کردند که همه در اختیار مذهب آزاد هستند و هر کس می تواند هر دینی را که بخواهد انتخاب کند.^{۱۵} علی چک گرچه شیعه مذهب بود، اما در افکار مذهبی اش روشنفکر بود. او علاوه بر انتخاب یک سنی به نخست وزیر، روابط نزدیکی با سنی ها برقرار کرد دختر خود را به یک جوان اهل سنت داد و برای پسر خود دختر یک اهل سنت را انتخاب کرد.^{۱۶}

او برای صوفیان، روحانیون و مریدان دانش، احترام زیادی قایل بود و هر روز به ملاقات «شیخ حمزه مخلوم»^{۱۷}

می رفت و برای «بابا داوود» و «یعقوب» که از محققان بزرگ اهل سنت بودند، احترام خاصی قائل بود.^{۱۸} هنگام رسیدن به سلطنت در سال ۹۷۸ هجری، در مسجد جامع، خود را به طور علنی به مردمش معرفی و اعلام کرد هرگز اجازه نخواهد داد ملاحظات مذهبی بر امور کشور تاثیر بگذارد و مانند یک میهن پرست حکومت خواهد کرد.^{۱۹} علاوه بر «علی شاه»، «یوسف شاه»

نیز به تمام شخصیت های مذهبی اعم از شیعه و سنی احترام می گذاشت. او برای استفاده از مرقد های اولیاء و مشایخ و بزرگان نزد آنان حاضر می شد و برای زیارت و دست بوسی «بابا هروی ربی»^{۲۱} پای برهنه می رفت.^{۲۲}

در این دوره شیعه و حاکمان آن، چنان به عدل و انصاف در اداره کشور اهمیت می دادند که «غازی شاه» با آن که پادشاه کشمیر بود، اما به خاطر خطایی که پسرش مرتکب شد، او را در ملأعام در عیدگاه اعدام کرد.^{۲۳}

به خاطر همین عدالت پروری و رعیت پروری، مورخین، پادشاهان شیعه چکها را با القابی هم چون «خسروی عادل»، «سی بدل در عدل و انصاف» «از کمال انصاف استفاده کرد» یاد می کردند.^{۲۴}

در این دوره با این که حاکمان کشمیر شیعه بودند، اما امام جماعت مسجد جامع و نیز قاضی کشور، اهل سنت بودند و در عین حال در مساجد کشور به نام ائمه معصومین خطبه خوانده می شد.^{۲۶} این همه تعامل بیان کننده احترام و پاسداری شیعیان به ویژه حاکمان نسبت به دیگر مذاهب است.

حوادث اتحاد بین شیعه و سنی در دوره شاهامیری و چکها

۱. قومیت کشمیری ها از زمان قدیم نسبت به کشور و فرهنگ خود حساس بودند و به همین دلیل با وجود تمام اختلافات، هیچ گاه حاضر نشدند نیروهای خارجی کشورشان را اشغال کنند. آنان با وحدت خود توانستند علاوه بر حملات محمود غزنوی، حملات متعدد مغول را نیز ناکام سازند.

۲. علماء و صوفیان دو عین عامل وحدت در این دوران علماء و صوفیان بودند

که تحمل زیادی داشتند و به جای پیشرفت مذهب فقهی خود، به پیشرفت اسلام و مسلمین فکر می کردند. بسیاری از آنان از جمله «سیدشرف الدین موسوی» و «میر سیدعلی همدانی» تا آخر عمر، مذهب خودشان را ظاهر نکردند و طوری رفتار می کردند که هر گروهی ایشان را از خود می پنداشتند. در دوره شاهامیری علمای بزرگ شیعه نیز از ایران به این جا آمدند، اما به خاطر مصلحت اسلام و مسلمین در کشمیر مذهب خودشان را ظاهر نکردند.^{۲۷}

۳. سیره پادشاهان یکی از عوامل وحدت در این دوره ها پادشاهان کشمیر بودند به غیر از «سلطان سکندر»^{۲۸} همه آنان به تمام هم وطنان خود آزادی عمل داده بودند. به خصوص پادشاهان شیعه که تلاش زیادی در این راه از خود نشان دادند.

پادشاهان گرچه برای ترویج تشیع از هیچ سعی و تلاشی دریغ نکردند، اما هیچ گاه به دیگر مذاهب اسلامی سخت نگرفتند.

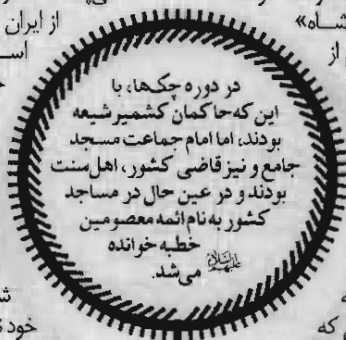
۴. اسلام به طور مسلم یکی از آثار نعمت نبوی «وحدت و اخوت اسلامی» بود که خلوند در سوره «ال عمران» دوبار از آن به عنوان نعمت یاد کرده است:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَةِ اللَّهِ أَهْلًا وَنِعْمَ اللَّهُ بِعَلَمِ الْغُيُوبِ»^{۲۹}

همگی به رشته ی دین خدا چنگ زده و به راه های متفرق نروید و به باد آوريد این نعمت بزرگ را که شما با هم دشمن بودید خدا به دل های شما الفت و مهریانی آید و به نیکی این نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید.^{۳۰}

قرآن به ما می آموزد که با اطاعت از خدا و رسولش، از نزاع و اختلاف دوری کنیم زیرا در آن صورت، شوکت و هیبت خود را از دست می دهیم و نزد دیگران کم ارزش می شویم. اسلام که اهمیت زیادی به وحدت و اتحاد اسلامی می دهد، تازه به کشمیر آمده بود. نو مسلمانی کشمیر نیز چه شیعه و چه سنی، تعالیم اسلام و قرآن را با جان و دل می پذیرفتند و در عمل نیز از هر گونه نزاع و اختلاف دوری می جستند.

۵. تحمل مخالف به نظر می رسد شیعه و سنی در این دوره ها از تحمل و



حکومت شورج شد این امر باعث گشت که بعضی از فرمانداران بجز در مناطق قدرت و سپس عزل شوند. اقوام و رؤساء کشمیر نیز برای گشت قدرت به کله طرفداری این شاهزاده و کله این شاهزاده را می کردند.

یاسر میر حسن الدین عوکی به کشمیر، بعضی از این امر را با تبلیغ وی به مذهب شیعه پیوستند و بعد از چند سال با سقوط حکومت هاکامان محوسس به تخت نشستند.

سپه بودن حاکمان فعلی مذهب حویی به محققان سیاسی این داد این رهبران که هر از چند گاهی علیه حاکمان شیعه محوسس می افتادند. با سلب اعتبار از حاکمان شیعه قدرت حاکمان را ضعیف کرد و منتهی قلمداد می کردند. آنان برای گشت حمایت اهل سنت به آنان چنین القا می کردند که برای تبلیغ و ترویج مذهب اهل سنت با حاکمان شیعه می جنگند. این افراد سودجو چون از حمایت علماء متعصب نیز برخوردار بودند مردم عادی اهل سنت را به دام انداختند.

تعصب مذهبی

در اثر فعالیت جاسوسان اکبر شاه و علماء متعصب و نیز رهبران خودخواه سیاسی، جامعه اهل سنت کشمیر تحت تأثیر قرار گرفت و یک نوع تعصب مذهبی بین آنان به وجود آمد که اجازه نمی داد در کنار شیعیان زندگی مسالمت آمیزی داشته باشند. در نتیجه بارها به شیعیان هجوم آوردند که جای بیان آن ها در این جا نیست.

وحدت و همگرایی بین شیعه و سنی در عصر حاضر

اکنون بعد از قرن ها، شیعه و سنی اختلاف خاصی باهم ندارند و مثل دو برادر در کنار هم زندگی می کنند. بعد از آخرین درگیری خونین که در سال ۱۲۸۹ هجری قمری (۱۸۷۲ م) بین شیعیان و اهل سنت اتفاق افتاده است، دیگر گزارشی از درگیری بین این دو مذهب در منابع نیامده است. اگر جایی هم اتفاق افتاده، سطحی بوده است.

شیعیان کشمیر به تمام ادیان و مذاهب به ویژه مذاهب چهار گانه اهل سنت احترام می گذارند و آنان نیز برای تشیع احترام قائلند. اکنون شیعه و سنی به راحتی در اجتماعات یکدیگر شرکت می کنند و حتی پشت سر یکدیگر نماز می گذارند، به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران. فضا به طور کلی در کشمیر عوض شده است و این دو مذهب بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شده اند. زمان پیروزی انقلاب اسلامی در کشمیر این شعار خیلی معروف بود: «ایران سی خبرائی شیعه سنی بهائی بهائی؛ از ایران خبر

عوامل اختلاف

۱. مغول

عامل اصلی نزاع و اختلاف بین شیعه و سنی در کشمیر، حاکمان مغول به ویژه «اکبر شاه» است. اکبر شاه برای تصرف کشمیر حملات گسترده ای انجام داد، اما هر بار با استقامت و بایداری مردم کشمیر روبه رو شد.

حکومت بر کشمیر، برای اکبر شاه واقعیت بخشیدن به رؤیای «بابر و همایون» بود. هدف سیاسی اکبر از اشغال کشمیر، گذشته از توسعه بیابانری خود، دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی بود. اکبر شاه بعد از شکست های پیاپی اش به این نتیجه رسیده بود که برای حاکمیت و تصرف کشمیر، باید اتحاد و وحدت شان را از هم بپاشد. اکبر شاه برای رسیدن به اهداف خود افرادی را در کشمیر اجاره کرد و به آنان مأموریت داد به اختلافات مذهبی و عقیدتی دامن بزنند. او علاوه بر آن، برای درهم شکستن وحدت کشمیری ها، تمام شورشیان را تحت حمایت بی دریغ خود قرار داد. پس از مدتی کارشکنی های اکبر شاه جواب داد و افراد اجیر شده روز به روز به اختلافات مذهبی دامن زدند. با فعالیت خراب کارانه این گروه، وضعیت اجتماعی کشمیر در اواخر دوره چک ها چنان آشفته شد که در یک درگیری، اهل سنت بعد از کشتن یک نفر از شیعیان، خونش را هم چون شربت نوشیدند و گوشتش را تکه تکه کردند و برای هدیه به خانواده با خود بردند.^{۱۳}



۲. علماء متعصب
بعضی از علماء اهل سنت نتوانستند به وجود آمدن حکومت شیعیان و رسمیت یافتن مذهب شیعه در کشور را تحمل کنند و به جای تعمیر، بنا را بر تخریب، مخالفت و ساختارشکنی گذاشتند. آن ها با هر بهانه به دولت شیعی می تاختند و علیه آن موضع می گرفتند. آنان هم کیشان خود را به تمر در دولت تحریک می کردند و با سوء استفاده از آزادی و موقعیت اجتماعی خود، افراد شورشی و باغی دولت شیعی را تحت حمایت قرار می دادند.

۳. رهبران سیاسی

بعد از درگذشت زین العابدین، پادشاه مقتدر کشمیر، یک

برداشت تمهله نظرات متقابل برخوردار بودند و اگر احیاناً مشکلی پیش آمده باشد با صبر و تحمل متقابل حل و فصل می شده است.

عبار اختلاف و درگیری

اواخر دوره چک ها را می توان آغاز درگیری بین شیعه و سنی در کشمیر نام برد. بعد از این دوره اختلاف و نزاع بین شیعه و سنی روز به روز افزوده شد و به تدریج نزاع لفظی جای خود را به درگیری فیزیکی داد و طبق نقل نویسنده «تاریخ شیعیان کشمیر» هر هفته یک درگیری بین شیعه و سنی صورت می گرفت.^{۱۴} در دوره مغول که ۱۶۶ سال به طول انجامید، علاوه بر درگیری های محلی و منطقه ای، دست کم پنج درگیری گسترده و سراسری که در آن ها هزاران نفر از شیعیان قتل عام و املاکشان به آتش کشیده شد، صورت گرفت.

دولت مغول ها به دست افغان ها برچیده شد.^{۱۵} در این دوره ۶۵ ساله، اختلافات و درگیری ها بین شیعه و سنی به اوج خود رسید و علاوه بر درگیری محلی، حداقل چهار بار شیعیان قتل عام شدند.

حکومت افغان ها در کشمیر توسط «سیک ها» سقوط کرد.^{۱۶} در دوره سیک ها نیز آثاری از وحدت و همگرایی بین شیعه و سنی به نظر نمی آید و علاوه بر درگیری محلی در این دوره ۲۷ ساله، یک بار شیعیان قتل عام شدند.

حکومت سیک ها نیز توسط قومی بنام «دوگره» برچیده شد.^{۱۷} در اوایل این دوره نیز شیعه و سنی همواره درگیر بودند و یکبار نیز نسل کشی سراسری شیعیان صورت گرفت. علاوه بر این درگیری ها، افراد زیادی از شیعیان با بهانه های مختلف کشته می شدند. در این دوره ها، بنا بر علت های مختلف از جمله ترس از مخالفان، خفقان شدید و تقیه، جمعیت شیعیان به شدت (حدوداً ۵۰ درصد به ۱۲ درصد) کاهش یافت. در این جا این سؤال مطرح است که با وجود آن همه روابط خوب و برادرانه، چگونه بین این دو مذهب نفق و نزاع به وجود آمد؟



رسید که شیعه و سنی باهم برآوندند» بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئولان جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) در سال ۱۳۰۰ هجری قمری به کشمیر تشریف آوردند. پیش‌تر برنامه‌های ایشان در مراکز اهل سنت بر گزار گردید و اهل سنت پیش از شیعیان در آن اجتماعات شرکت کردند^۱ و این همی در کشمیر اهل سنت نیز هم‌چون شیعیان، جمهوری اسلامی ایران را دوست دارند. مردم کشمیر در ستور شدن به نور اسلام خود را مدیون عالمان و مبلغان ایرانی می‌دانند و وابستگی عجیبی به ایران اسلامی دارند^۲. می‌توان گفت جنبش آزادی‌بخش «چامو» کشمیر» نیز نشأت گرفته از انقلاب اسلامی ایران است^۳ و این امر علاقه و سوق اهل سنت را نسبت به شیعیان و جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد. خلاصه اینکه اکنون شیعه و سنی در کشمیر مشکل خاصی با یکدیگر ندارند اما در چند سال اخیر، وهابیت گسترش چشم‌گیری پیدا کرده است. آنان هزار چندگاهی با پخش نرم‌افزارها و وسایلی دیگر از جمله مجلات و کتاب‌های ضدتشیع، مخصوصاً در آستانه محرم و صفر، دل شیعیان را جریحه‌دار می‌کنند و خواهان برهم‌زدن اتحاد این دو مذهب هستند^۴.

عوامل اتحاد بین شیعه و سنی

۱. شرکت شیعیان در مبارزه با حکومت «دوگره» در قرن بیستم میلادی نهضت‌های آزادی‌بخش در سطح هند به‌وجود آمدند؛ از جمله نهضت «آزادی‌بخش» کشمیر که خواستار پایان دوره سلطنت شاهی در کشمیر بود. تمام اعضاء این نهضت اهل سنت بودند و شیعیان با توجه به درگیری‌های گذشته در این گونه نهضت‌ها شرکت نمی‌کردند اما اولین بار در سال ۱۹۲۰م یکی از شخصیت‌های بانفوذ شیعیان کشمیر به‌نام «سیدحسین جلالی» عضو این نهضت شد^۵ و فعالانه در برنامه‌های آن شرکت کرد. بعد از وی شخصیت‌های دیگری هم‌چون «منشی محمد اسحاق» و «حکیم صفر همدانی» نیز در آن شرکت کردند و برای پیشبرد اهداف آن کوشیدند. فعالیت مؤثر این شخصیت باعث شد که متقابلاً اهل سنت نیز دسته‌جمعی در مراسم عاشورا سال ۱۹۲۵ میلادی شرکت کردند^۶ و بدون سینه‌زنی نوحه خواندند که این اتفاق کمک زیادی به نزدیک شدن شیعه و سنی کرد^۷.

۲. شرکت مؤثر شیعیان در نهضت‌های دینی کشمیر بعد از الحاق کشمیر به هند، به خاطر غیردینی بودن قانون

اساسی، بارها اتفاق می‌افتاد که قوانین غیراسلامی از جمله قانون شرب خمر، اسقاط حمل، میراث خانمها تصویب می‌شوند که نگرانی‌های عمیقی در جامعه مسلمان کشمیر، که ۹۵ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، به‌وجود می‌آورد و برای پس گرفتن این قوانین ضداسلامی، نهضت‌هایی به‌وجود می‌آمد که بعضی از شخصیت‌های شیعیان از جمله «آقا سید یوسف صفوی»^۸ و آقای غلام‌علی گلزار فعالانه در آن‌ها شرکت کردند که باعث نزدیکی شیعه و سنی شد.

علاوه بر آن در سال ۱۹۶۳ میلادی در کشمیر موی مبارک پیغمبر ﷺ از جای خود در حضرت «بل سرنگر» سرقت شد. به دنبال آن جامعه کشمیر یک‌پارچه دست به تظاهرات زد و به‌منظور احتجاج مغازه‌های خود را تعطیل کرد. در این تظاهرات و احتجاجات، شیعیان سراسر کشمیر نیز شرکت کردند و هنگامی که برای بازپایی موی مقدس کمیته‌ای تشکیل شد، مولوی محمدعباس انصاری، عالم دینی شیعه، سخنرانی کرد.^۹

۳. انقلاب اسلامی ایران

این یک حقیقت غیرقابل انکار است که با وجود پیشرفت قابل توجه در روابط شیعه و سنی در کشمیر تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شیعیان کشمیر کم‌تر جرات پیدا می‌کردند که در میان اهل سنت، مذهب خودشان را ظاهر کنند.^{۱۰} این وضعیت در روستاهای دورافتاده بدتر بود، اما با پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان توانستند تقریباً در همه جا اعلام حضور کنند و ترسی از خود نداشته باشند. از آن‌جا که تعداد زیادی از اهل سنت کشمیر به گروه «جماعت اسلامی» وابسته هستند، روابط نزدیک حضرت امام^{۱۱} با «ابوعلی مودودی» باعث نزدیکی آنان به شیعیان شد.^{۱۲} علاوه بر آن تأکید جمهوری اسلامی ایران بر حقوق مستضعفان از جمله فلسطین نیز اهل سنت کشمیر را به شیعیان نزدیک کرد.

۴. شرکت در نهضت آزادی بخش کشمیر در سال ۱۹۴۷م، هنگام تقسیم شبه قاره هند، کشمیر با توجه به خواسته‌های مردم و موقعیت جغرافیایی خود، این حق را داشت که هند یا پاکستان را برگزیند. اکثریت مسلمان این منطقه خواستار الحاق به پاکستان^{۱۳} و بعضی‌ها

خواهان استقلال بودند.

مهراجه کشمیر به نام «هری سینگ» دست به توطئه زد و بدون اطلاع رسانی به صاحبان اصلی این سرزمین، کشمیر را به هند الحاق کرد. از سوی دیگر برای به دست آوردن کشمیر، بین هند و پاکستان سه جنگ خونین در گرفت. در جریان جنگ سوم در اوت ۱۹۴۸م شورای امنیت، قطعنامه‌ای در خصوص توافق آتش‌بس و ترک مواضع صادر کرد که در پی آن، هر دو کشور به طور رسمی قول دادند یک همه‌پرسی در کشمیر برگزار کنند

و با خواست مردم کشمیر، ماجرا را حل و فصل کنند.^{۱۴} مردم مسلمان کشمیر تا سال ۱۹۸۹-۱۹۸۸ میلادی سعی کردند مسئله را با گفت‌وگو و مذاکره حل کنند، اما وقتی دیدند که از راه مسالمت‌آمیز نمی‌توانند حقوق از دست‌رفته خودشان را باز یابند، مجبور شدند انتفاضه جدید و مسلحانه‌ای به راه بیندازند. در این نهضت نیز شیعیان کشمیر بیش از سهم خویش شرکت کردند و علاوه بر شرکت در حزب‌های چریکی

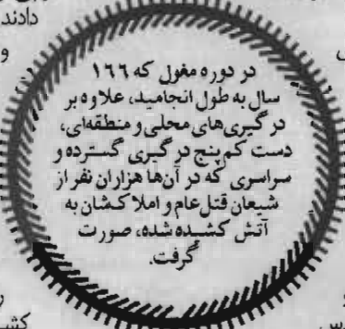
اهل سنت، آنان نیز دو حزب چریکی بنام «حزب المؤمنین» و «پاسبان اسلام» تأسیس کردند و این چنین مبارزه را با اشغال گران کشمیر ادامه دادند. هم‌زمان انجمن‌های دیگر سیاسی شیعیان کشمیر از جمله انجمن «اتحاد المسلمین» و انجمن شرعی شیعیان نیز برای رهایی کشمیر از هند فعالیت سیاسی خود را آغاز کردند که رهبران این انجمن‌ها به‌نام «مولانا محمدعباس انصاری» و آقای «سیدحسن الموسوی» از اعضاء بنیادی حریت کنفرانس هستند.

۵. پیشرفت علم

شیعه و سنی نسبت به یکدیگر حرف‌های عجیب و غریب شنیده‌به‌آن‌ها اعتقاد پیدا کرده بودند. به‌ویژه علماء متعصب سنی سخنان و تهمت‌های ناروایی به شیعه می‌زدند که آثار سوء آن‌ها کم و بیش هنوز نیز در مناطق دورافتاده کشمیر دیده می‌شود، اما با پیشرفت علم و با مطالعه کتاب‌های دینی یکدیگر، هر دوی این مذاهب متوجه نادرست بودن آن تهمت‌ها شدند و همین امر باعث نزدیک شدن آن‌ها به یکدیگر شد.

۶. شرکت در مراسم و جلسات یکدیگر

پیش از قرن بیستم، به خاطر درگیری‌های زیادی که بین شیعه و سنی رخ داد، شرکت این دو مذهب در مراسم و



جلسات یکدیگر مرسوم نبود، اما در این قرن به خاطر تحول شرایط و موضوع سیاسی جهان، من جمله کشمیر، آنان در مراسم و جلسات یکدیگر حضور پیدا کردند این امر نیز به نزدیک شدن شیعه و سنی کمک کرد و باعث گشت که آنان پس از گذشتن با یکدیگر روابط و مناسبات دوستانه برقرار کنند.

کتابخانه‌ها

گرچه اکنون وحدت و هم‌گرایی خوبی بین شیعه و سنی وجود دارد، اما هنوز هم با وضعیت مطلوب فاصله زیادی داریم. به همین دلیل لازم است که بزرگان شیعه و سنی برای به تقاضای رسیدن جامعه شیعه و سنی پیش‌بر تلاش کنند و از هر گونه عملی که باعث کسورت و دوری از یکدیگر شود، پرهیزند.

در پایان برای تحکیم وحدت و تقریب مذهب به نکاتی اشاره می‌شود:

۱. حضور در مراسم عبادی و شعائر مذهبی - اجتماعی یکدیگر از جمله نماز جمعه، جماعت و عیدین.
۲. ایجاد روابط اجتماعی و عائلی و اخوت دینی با یکدیگر.
۳. مدارا و اخلاق مداری در برخورد با یکدیگر.
۴. پرهیز از توهین و تمسخر و دست‌اندازی مقدسات و عقائد و افکار طرف مقابل.
۵. پرهیز از تهمت‌های ناروا به یکدیگر.
۶. پرهیز از تکفیر طرفداران دیگر فرقه‌های اسلامی.
۷. برکت‌مخالسه و ستیزه‌جویی در امور دینی.
۸. تحمل یکدیگر و عدم تحمیل ایمان و عقیده خود.

پی‌نوشت‌ها

۱. موسوی سیدمحمدباقر، اختر درخشان، ص ۲۰، اکرم حسین پریس، به ملاک گهات پلارن هند.
۲. همان، ص ۲۱، نیز کشمیر، گذشته، حاله آینده، ص ۳۵.
۳. دکتر ایم ایس کشمیر، عقیده عهد، ص ۱۰۸، مقبول احمدی، سرکلر آثار کلی، لاهور ۱۹۹۵م نیز تاریخ جلوه کشمیر، ص ۱۱۹.
۴. الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولت‌شاهی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲ش نیز کشمیر، گذشته، حال، آینده، ص ۳۵.
۵. همان، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۳، امام حسین زین‌العابدین، کشمیر، گذشته، حال، آینده، ص ۱۳.
۶. حاکمان این دوره در کشمیر اهل مکتب بودند.
۷. همان، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۴، امام حسین زین‌العابدین، کشمیر، گذشته، حال، آینده، ص ۱۹۳.
۸. در موسوی، محمدعظیم، و لغات کشمیر، ص ۷۸ مترجم، احمد،

شمس‌الدین، جامه ایند کشمیر اسلامک ستر سرتینگر کشمیر.

۹. همان، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۴، امام حسین زین‌العابدین، کشمیر، گذشته، حال، آینده، ص ۱۱.

۱۰. فریفته، محمدعظیم، تاریخ ابرت، جلد ۱، ص ۲۳۵، ترجمه علی‌احی خواجه‌نالی، شیخ غلام‌علی میر احمدی، لاهور.

۱۱. تفسیری، محمدعظیم، و لغات کشمیر، ص ۱۴۵ تا ۱۵۱ مترجم، احمد، شمس‌الدین، جامه ایند کشمیر اسلامک ستر سرتینگر کشمیر.

۱۲. همان، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، امام حسین زین‌العابدین، کشمیر، گذشته، حال، آینده، ص ۱۳.

۱۳. الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولت‌شاهی، ص ۳۳.

۱۴. محب‌الحسن کشمیر اند سلطانز، ص ۱۴۷.

۱۵. الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولت‌شاهی، ص ۳۳.

۱۶. کشمیر، عهد به عهد، ص ۴۴۰، دکتر ایم ایس، مقبول اکادمی، سرکلر رود جوتک انارکلی، لاهور ۱۹۹۵ میلادی.

۱۷. یکی از نویسندگان و عالمان بر جسته‌ای اهل سنت.

۱۸. تاریخ مکتب کشمیر، محمدالدین فوق، ص ۴۵۶، ناشر کشمیر بک تیو کشمیر ۲۰۰۳، نیز کشمیر بهشت زخم خورده، ص ۳۳.

۱۹. الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولت‌شاهی، ص ۳۳.

۲۰. یکی از نویسندگان و عالمان بر جسته‌ای اهل سنت.

۲۱. حسین شاه، تاریخ حسن و مترجم شمس‌الدین احمدی، ص ۲، ص ۴۱۷، نجفی، سیدمحمد، تاریخ شیعیان کشمیر هند تا عصر مغل، ص ۱۱۳.

۲۲. در موسوی، محمدعظیم، و لغات کشمیر، مترجم، احمد، شمس‌الدین، ص ۱۴۵.

۲۳. تفسیری، محمدعظیم، و لغات کشمیر، ص ۱۴۵ تا ۱۵۱، مترجم، احمد، شمس‌الدین، جامه ایند کشمیر اسلامک ستر سرتینگر کشمیر.

۲۴. همان، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۴، امام حسین زین‌العابدین، کشمیر، گذشته، حال، آینده، ص ۱۳.

۲۵. سلطان سکندر قرانی، سختی بر هندوها جاری ساخت و جمعیت زیادی از آنها را به زور مسلمان کرد.

۲۶. همان، همان، ص ۱۰۳.

۲۷. همان، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۴۷، امام حسین زین‌العابدین، کشمیر، گذشته، حال، آینده، ص ۱۳.

۲۸. مختصر تاریخ کشمیر، محمدامین پلاد، ص ۱۷۵، گلشن پلشرد، سرتینگر، ناشر شیخ محمد عثمان بلد تاجران کتب کشمیر.

۲۹. همان، ص ۱۸۹.

۳۰. همان، ص ۱۹۳.

۳۱. همان، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۴، امام حسین

زین‌العابدین، کشمیر، گذشته، حال، آینده، ص ۱۳.

۳۲. الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ص ۱۷، ترجمه فریدون دولت‌شاهی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲ش.

۳۳. مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، ص ۳۶۲، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ناشر انجمن شرعی شیعیان جامو و کشمیر، سال ۱۹۸۲م.

۳۴. موسوی، سیدمحمدباقر، اختر درخشان، اکرم، ص ۱۸۳، حسین پریس، به ملاک گهات پلارن هند.

۳۵. همان، ص ۱۸۲.

۳۶. همان، ص ۳۹.

۳۷. وابستگی آنان به ایران اسلامی به خاطر ۱. ادامه پیدا نکردن حمایت سیاسی جمهوری اسلامی ایران از جنبش آزادی‌بخش کشمیر ۲. روابط بیش از پیش جمهوری اسلامی ایران با هند ۳. شرکت رئیس‌جمهوری سابق ایران جناب آقای سیدمحمد خاتمی در مراسم ۲۶ ژانویه روز جمهوری هند کمی کاهش پیدا کرد. چون کشمیری‌ها هند را اشغال‌گر کشمیر و عامل جنایت بیش از صد هزار نفر می‌دانند. لذا عموم مردم از هند نفرت دارند، اما این خوش‌ایند است که در چند سال اخیر با موضوع شجاعانه رئیس‌جمهور ایران جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد در برابر استکبار جهان به خصوص آمریکا و اسرائیل مجدداً مردم کشمیر به ایران و انقلاب علاقه‌مند شده‌اند.

۳۸. رضوی، سیداعجاز حسین، تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در کشمیر، ص ۲۴ تا ۲۵، پایان نامه کارشناسی ارشد، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، قم، ۱۳۸۵، هاشم.

۳۹. آنان مدرسه‌های زیاد کوچک و بزرگ در شهرها و روستاها دایر کرده‌اند و در آن افکار ضدتشیع ترویج می‌کنند. الان در کشمیر دو حوزه علمیه خیلی بزرگ به نام «رحمه» واقع در بانندی پور در شمال سرتینگر و ابلیله، واقع در باغوان پوره سرتینگر دارند و به تمام امکانات و تسهیلات مدرن مجهز هستند. آنان به طلبه‌ها طوری آموزش می‌دهند که دیگر نرایی به ادامه تحصیل در کشور دیگری نداشته باشند. هر دو مشغول به ترویج افکار ضدتشیع هستند و چندی پیش دو کتاب علیه تشیع چاپ کرده‌اند.

۴۰. گروه‌بندی سنی بلند شیعیان، ریاست کی تنظیم، ص ۷، ناشر، جامو و کشمیر، شیعه فیدریشن، سرتینگر، جنوری ۲۰۰۶ میلادی.

۴۱. مصاحبه از آقای غلام‌علی گلزار، رئیس سابق تنظیم المکاتب کشمیر.

۴۲. همان.

۴۳. مقدمه اول بهارستان شاهی، ص ۱۰۱، تنظیم: دکتر اکبر حیدری، ناشر انجمن شرعی شیعیان جامو و کشمیر، سال ۱۹۸۲م.

۴۴. حجت‌الاسلام والمسلمین مولوی عباس انصاری کا ایک اجمالی تعارف، ناشر اتحاد المسلمین جامو و کشمیر سرتینگر.

۴۵. مصاحبه از آقای غلام‌علی گلزار، رئیس سابق تنظیم المکاتب کشمیر.

۴۶. همان.

۴۷. رضوی، سیداعجاز حسین، تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در کشمیر، ص ۲۴.

۴۸. الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولت‌شاهی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲ش.